

# تبیین رابطه بین مؤلفه‌های مؤثر بر کیفیت فضای باز جمعی در ارتقای اجتماع‌پذیری محیط<sup>۱</sup>

نازنین دهناد - گروه معماری، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران  
 جمال‌الدین مهدی‌نژاد<sup>۲</sup> - \*گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید رجایی، تهران، ایران.  
 \*استاد مدعو گروه معماری، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران  
 باقر کریمی - گروه معماری، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

تاریخ دریافت: ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۸ تاریخ پذیرش: ۵ فروردین ۱۳۹۹

## چکیده

میزان موفقیت فضاهای جمعی به میزان استفاده از آن مکان و حضور انسان وابسته است. انسان به صورت پیوسته با مکان همراه بوده و نوعی تعامل در آن را ایجاد کرده که منجر به شکل‌گیری روابط اجتماعی و اجتماع‌پذیری فضای باز جمعی شده است. در دهه‌های اخیر، بی‌توجهی به حفظ و ارتقای حیات جمعی در برخی فضاهای باز موجب از بین رفتن اهمیت و نقش فضا شده است. همچنین عدم استفاده از معیارهای فضاهای باز عمومی برای اجتماع‌پذیری فضاها منجر به خالی و رانده شدن فضاها شده است. از این رو شناخت معیارهای ایجاد‌کننده و ارتقادهنده اجتماع‌پذیری در فضاهای باز جمعی به منظور رونق بخشیدن به این گونه فضاها در مقیاس‌های مختلف ضروری است. پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر کیفیت فضای باز جمعی محیط‌های مسکونی و تأثیر آن در ایجاد تعامل بین کاربران و پاسخ به این پرسش که حضور افراد در این فضاها چگونه منجر به اجتماع‌پذیری فضای باز جمعی و عاملی در جهت موفقیت فضا می‌شود، انجام شده است. از این رو چهار فضای باز مشترک جمعی در مقیاس مجتمع‌های مسکونی در منطقه شش شهرداری شهر شیراز انتخاب شد. این پژوهش با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی به روش پیمایش و با استفاده از ابزار سنجش پرسشنامه صورت گرفته است. حجم نمونه ۴۸۸ نفر از ساکنان مجتمع مسکونی است. تجزیه تحلیل داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS انجام شده است. پس از تحلیل و دسته‌بندی ابعاد در سطح نظریه مکان و استخراج هفت مؤلفه مؤثر بر کیفیت فضاهای جمعی و اجتماع‌پذیری (که شامل ایمنی و امنیت، انعطاف‌پذیری، نفوذپذیری، فعالیت‌پذیری، تعامل اجتماعی، هویت مکان و ادراک محیط است) در چگونگی برقراری تعامل و ارتباط کاربران محیط چهار نتیجه حاصل گردید. نخست ایجاد آفرینش فضاهایی پویا، دوم ایجاد فضاهای جمعی، سوم پیوستگی و تعامل و چهارم تقویت درک متقابل از رفتارهای محیط کیفیت مکان‌های باز جمعی را می‌توان ارتقا بخشید.

**واژگان کلیدی:** اجتماع‌پذیری، تعامل اجتماعی، فضای باز مشترک جمعی، مجتمع‌های مسکونی.

## نکات برجسته

- شناخت معیارهای ایجاد‌کننده و ارتقادهنده اجتماع‌پذیری در فضاهای باز جمعی در جهت رونق بخشیدن به فضای باز جمعی فضاها.
- کیفیت فضای باز جمعی بر میزان مطلوبیت محیط و سطح کیفیت زندگی کاربران تأثیرگذار است.
- تقویت درک متقابل از رفتارهای محیط کیفیت مکان‌های باز جمعی را می‌توان ارتقا بخشید.
- فضای باز میانی در مجتمع‌های مسکونی، عنصر اساسی ساخت فضا و کانون راهبردهای اجتماعی است.

۱ این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده نخست با عنوان «بررسی نقش ساختار فضایی بر تعامل انسان و محیط به منظور شکل‌گیری فضای باز جمعی در مجموعه‌های مسکونی مورد مطالعه، مجتمع‌های مسکونی میان مرتبه در شهر شیراز» است که با راهنمایی نویسنده دوم جمال‌الدین مهدی‌نژاد (نویسنده مسئول) و نویسنده سوم باقر کریمی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر انجام شده است.

۲ نویسنده مسئول مقاله: Mahdinejad@sru.ac.ir

## ۱. مقدمه

دارد و به ضرورت اهمیت مطالعات فضای زندگی کاربران و پیوستگی و جدایی ناپذیری ادراک آنها از محیط با فضای زندگی شان پرداخته است (Bonaiuto & Bonnes, 2003). فضاهای اجتماع پذیر محل تبادل افکار و اطلاعات و مکانی برای شکل گیری فضاهای اجتماعی است (Daneshpur, et al, 2007). تحقیقات نشان می دهد که استفاده کنندگان از محیط های باز اجتماع پذیر شگفتی و لذت غیرمنتظره ای را همچون بازی کردن کودکان، قدم زدن جوانان، گفت و گوی افراد مسن، استراحت کردن را تجربه می کنند و هیچ تمایز روشنی بین ناظران و مشاهده کنندگان وجود ندارد (Daeshgarmogadam, 2012). طی پژوهشی در نمونه های مسکونی در همدان به چگونگی ارتباط فضای معماری با محیط طبیعی و عناصر طبیعی پرداخته اند. نتایج تحقیقات آنان نشان می دهد کیفیت فضا در استفاده از فعالیت های جمعی آن فضا مؤثر است. نتایج تحقیقات راست بین و همکاران نشان داده است که فضاهای باز، تأثیر و اهمیت معنی داری بر ارتقای سطح کیفیت زندگی شهری، حس اجتماع پذیری، خودجوشی، خودانگیزگی اجتماعی و گفتمان دارند و برای ظهور فعالیت ها و تعاملات اجتماعی بستری مناسب است (Rastbin, et al, 2012). دانشپور و چرخچیان فرآیند اجتماع پذیری در درون فضاهای عمومی را مبتنی بر حضور افراد و تداوم حضور اجتماعی فعال در فضای داند (Daneshpur, et al, 2007). شجایی و پرتویی به منظور سنجش اجتماع پذیری فضاهای عمومی سه بعد اجتماعی، کالبدی و فعالیتی را در نظر گرفته اند و در این چارچوب مؤلفه هایی چون دسترسی، انعطاف پذیری، تعاملات اجتماعی، راحتی، حفاظت، حضور مردم و فعالیت را بررسی کرده اند (Shojaee & Partoee 2015). در تبیین مؤلفه ها و ویژگی های فضاهای عمومی و فضاهای اجتماع پذیر موفق، مطالعات و دیدگاه های فراوانی وجود دارد. از جمله سعادتیان و پورجعفر، کاشانی جو، تیبیانز، بنتلی و فرانسیس که با استفاده از معیارها به شناخت فضا و ابعاد مختلف فضای باز عمومی پرداخته اند (Purjafar, et al, 2008 & Bentley, et al, 2012 & Francis, 2012, Siadatian & Pourjafar, 2015). به نظر می رسد در تحقیقات انجام شده، اجتماع پذیری در فضاهای فعالیت نشأت گرفته از فضاهای باز مورد توجه بوده است. با این وجود به ویژگی اجتماع پذیری فضای باز مجتمع های مسکونی شهر شیراز پرداخته نشده است. همچنین شناسایی متغیرهای مداخله کننده برای اجتماع پذیری فضاهای باز، در طراحی فضای باز مجتمع های مسکونی از سوی طراحان ضروری است. بنابراین پس از مطالعه اولیه تحقیقات پیشین، معیارهای مؤثر بر کیفیت فضای باز برای به وجود آمدن فضایی اجتماع پذیر در مجتمع های مسکونی بررسی شده است. این مطالعه با هدف شناسایی مکان های مناسب برای فعالیت های جمعی ساکنان و شناسایی کانون های فعالیت ساکنان در فضاهای باز مجتمع های مسکونی انجام شده است.

## ۲.۱. اجتماع پذیری

فضاهای اجتماع پذیر تامین کننده بسیاری از فعالیت های مورد استفاده کاربران است (Lennard, 1993). اجتماع پذیری در فضاهای باز عمومی، نتیجه همساختی و همزیستی بین کالبد فضای عمومی و رفتارهای بین فردی یا فوق فردی است (Steele, 1981). اجتماع پذیری

ایجاد فضای عمومی اجتماع پذیر به عنوان محل رخداد تعامل اجتماعی در راستای خلق محیط های شهری پایدار، یکی از اهدافی است که در دهه های اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته است (Shojaee, et al, 2015). ولی حضور گسترده وسایل نقلیه و تغییر چهره شهر و ساخت انبوه ساختمان های مسکونی معمولاً تنزل در کیفیت را به همراه داشته است. مجتمع های مسکونی که زمانی قرار بود با قرارگیری در میان فضاهای سبز و زیبا و کم تراکم، محیط هایی با کیفیت و بستری مطلوب را برای تعاملات اجتماعی ساکنان ایجاد کنند، به تدریج به مجتمع های آپارتمانی با تراکم بسیار بالا تبدیل شده اند. پیوستگی ساختمان ها، عدم فضاهای اجتماع پذیر و جدایی گزینی مردم از فضاهای باز عمومی، نادیده انگاری ارزش های اجتماعی، فرهنگی و هویتی نهفته در فضاهای عمومی، بی توجهی به حفظ و ارتقای حیات جمعی با محیط پیرامون منجر به گسست و جدایی ساکنان از فضاهای باز اجتماعی شده است (Hanson, 2000). این در حالی است که فضاهای جمعی نیازمند بستری مناسب برای پاسخگویی به نیازهای اجتماعی ساکنان است که برای تأمین فرصت های لازم در زمینه کسب تجارب اجتماعی، مستلزم وجود فضا در قرارگاه کالبدی است (Daneshpur, et al, 2007). از این رونق معماران به عنوان شکل دهندگان اصلی محیط مصنوع بسیار حائز اهمیت است تا با استفاده از معیارهای فضاهای باز عمومی در جهت اجتماع پذیری فضا بتوانند تأمین کننده فعالیت های مورد استفاده کاربران در فضای باز جمعی مجتمع های مسکونی باشند. بر این اساس ارزیابی و تحلیل مؤلفه های سازنده و تأثیرگذار برای تفسیر کیفیت فضای باز مشترک جمعی در ایجاد اجتماع پذیری از اهداف اصلی این پژوهش به شمار می رود. بنابراین نوشتار حاضر می کوشد تا با نگاهی دوباره به کیفیت فضای باز جمعی در مقیاس مجتمع های مسکونی در شهر شیراز نتایجی به منظور بهبود کیفیت فضاهای ارتباط دهنده برای تعامل انسان و محیط به وجود آورد تا بستری مناسب جهت اجتماع پذیری کاربران در فضاهای سکونتی فراهم شود.

## ۲. چارچوب نظری

پژوهش حاضر از دو مفهوم عمده اجتماع پذیری و فضای باز جمعی تشکیل شده است که هر یک موضوع پژوهش های متعددی بوده اند. یانگل، معمار و شهرساز دانمارکی است که محور اصلی پژوهش های خود را بر روی تعامل در فضاهای همگانی پرداخته است (Pakzad, 2007). دسترسی و ارتباطات، آسایش و تصویردهنی، کاربری ها و فعالیت ها و اجتماعی بودن به دلیل اهمیت و ارزش هر کدام از عوامل کلیدی فضاهای باز است (Rafiian, et al, 2012). هانس پاول باردت معتقد است که رابطه متقابل میان فضای عمومی و خصوصی به عوامل مؤثری که بین فضاهای خصوصی، نیمه عمومی و عمومی بستگی دارد (Grutter, 2005).

لنگ در تحقیقات خود نشان داده است که فعالیت هایی چون تعامل با دیگران و مشاهده فعالیت های مردم با ایجاد زمینه های اجتماعی شدن و اجتماع پذیری به رشد فردی انسان کمک می کند (Lang, 2003). جایی که مردم زمان خود را در آن می گذرانند، جایی است که زندگی اجتماعی در آن جریان دارد (Truss, 2005). نصر به ویژگی هایی در محیط اشاره

**فعالیت پذیری:** فعالیت پذیری در فضاهای عمومی باید امکان حضور متناسب و عادلانه مردم را به صورت حضوری و پویا فراهم آورد و فضا در انطباق با نیازهای عملکردی و رفاهی باشد (Purjafar, et al, 2008). با توجه به ابعاد انسانی در فضاهای عمومی، مردم با حضور مشتاقانه در این فضاها به مشارکت می پردازند و فعالیت در این گونه فضاها بیشتر شکل می گیرد (Gehl, 2004). همچنین لنارد فعالیت پذیری را فرصتی برای مشارکت در فعالیت های اجتماعی می داند (Lennard, 1993).

**انعطاف پذیری:** قابلیت انعطاف پذیری یک محیط، عبارتست از ظرفیت و آمادگی آن برای تطبیق با تغییرات ایجاد شده. بنابراین قابلیت انعطاف پذیری در محیطی زیاد است که به تغییرات پاسخگوتر باشد و قابلیت بیشتری برای تغییر و اصلاح داشته باشد. در واقع محیط هایی که در طی زمان توانسته اند ویژگی های اساسی خود را حفظ کنند و ماندگار شوند، آنهایی هستند که طرح کالبدی شان توانسته اند به خوبی با تغییرات اساسی الگوهای فعالیت اصلاح شوند (Lang, 2007).

**امنیت:** امنیت در مجموعه های مسکونی از جمله عوامل انسانی و محیطی است. امنیت، کیفیت زندگی انسان ها را ارتقا می بخشد، باعث سازگاری و هماهنگی هر چه بیشتر عوامل انسانی و محیطی می شود. از طرفی آداب زندگی اجتماعی و فرهنگ سکونت ساکنان مجموعه های مسکونی را نیز ارتقا می دهد (Daneshpur, et al, 2007).

**حس مکان:** حس مکان رابطه فرد با تمامی مفاهیم را در مکان تأمین می کند (Falahat, 2012). ارتباط با مکان از طریق برقراری انواع پیوندهایی که افراد با مکان شکل می دهند، صورت می گیرد (Cross, 2005) مکان در برابر کنش های انسان با محیط شکل گرفته تا فضاها ساخته شوند (Sadeqi, et al, 2011).

مکان تنها متضمن و یا شامل محل های ویژه فیزیکی نیست، بلکه پر از معانی نمادین، دلبستگی های عاطفی و احساساتی است که افراد درباره یک مکان دارند (Dominy, 2001). مکان ها نه تنها با مجموعه ای فیزیکی، بلکه با رشته ای از فعالیت ها و فرآیندهای اجتماعی و روان شناختی که در آنها انجام می گیرند، مشخص می شوند (Stedman, 2002). مکان اجتماعی فضایی است که فرد در آن زندگی می کند. مراکز، راه ها و حوزه ها عناصر تشکیل دهنده فضای وجودی اند و عامل تعیین کننده آن نیز تعامل بین انسان و محیط است (Norberg-Schulz, 2007) که نهایتاً حس مکان در اثر ارتباط متقابل انسان و معانی موجود در مکان شکل می گیرد (Carmona, 2006) و از تکرار مستمر الگوی ها و رویدادها در آن مکان حاصل می شود (Alexander, 1986 & Cross, 2005).

**ادراک محیط:** ادراک محیط بر دریافت و ادراک مستقیم تا معانی ضمنی و ارزش های روانی ناشی از تعامل با محیط و عناصر طبیعی را در برمی گیرد و بازخوردی ادراکی در نظام فعالیت ها و رفتارهای کاربران محیط را در بردارد (Kellert, 2005). هر نوع حس تهدید امنیت، هر چند دلایل ذهنی داشته باشد، موجب عدم حضور فعال مردم در فضاهای شهری خواهد شد. محیطی که در آن مردم برنامه ها و فعالیت های خود را انجام می دهند، برخوردار از روابطی دو سویه است که افراد محیط را متأثر می نماید و محیط افراد را تحت تاثیر قرار می دهد. در این رابطه ادراک محیط بر چگونگی شکل گیری فعالیت ها در فضاها تأثیرگذار است (Canter, 1983). زیبایی طبیعت و عناصر طبیعی در محیط زندگی نسج

در فضاهای باز عمومی موجب ارتقای روحیه همبستگی و رشد فردی برای همه شهروندان بدون در نظر گرفتن جنسیت، قومیت، سن یا سطح اجتماعی و اقتصادی می شود (Kurniawati, 2012). افراد براساس منافع خود، ارتباطات اجتماعی را شکل داده و براساس توقعات، هنجارها و نقش های معین، به آن اشتغال می یابند و ارزیابی خود از چگونگی حضور خود در مکان را به چالش می کشند (Marcus & Sarkissian, 1988). تفاوت های موجود در سطوح اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی پدیدآورنده الگوهای رفتاری متنوعی است که زمینه ساز روابط اجتماعی منسجم و پایداری در افراد می شود (Ghanbaran, 2004). این در حالی است که کاربران از طریق واسطه های گوناگون و تماس های رو در رو گردهم می آیند و موضوعاتی را که قابل توجه و علاقه مشترک است را با هم به بحث می گذارند (Tibbaldz, 2009). همچنین فاصله فضاهای تعاملی و ارتباطی یا نشستن در حد فاصله های اجتماعی و مشورتی تقلیل پیدا می کنند (Lang, 2007). بنابراین اجتماع پذیری، با برقراری تعامل و ارتباط اجتماعی بین بهره برداران در هر فضای جمعی مشترک یک معماری قابل حصول در تعامل با دیگران را به وجود می آورد (Forgas, 2000). اما ممکن است فضاهای گردهم آورنده اجتماع گریز باشد که بیانگر کیفیت طراحی فضایی است که مردم را دور هم جمع می آورد یا از هم دور می کند (Osmand, 1957). از این رو فضاهای باز عمومی، الگوهای تعامل اجتماعی و قابلیت های فضای معماری ساخته شده دارای اهمیت ویژه ای است (Forgas, 2000). فضای جمعی مشترک به عنوان فضایی در دسترس همه گروه ها، ارائه دهنده آزادی عمل، مالکیت و حق موقت برای افراد تعریف می شود (Francis, et al, 2012).

## ۲.۲. مؤلفه های مؤثر بر کیفیت فضای جمعی در بهره گیری از اجتماع پذیری محیط

**تعاملات اجتماعی:** اجتماعی شدن مبنای آزادی و فردیت انسان است و در جریان آن هر انسان حس هویت شخصی، توانایی اندیشه و عمل مستقل پیدا می کند (Desvan, 2004). یکی از مهمترین ابعاد و ویژگی های فضاهای عمومی، ایجاد فرصت های لازم برای اجتماعی شدن بین افراد است (Dines & Cattell, 2006). هنگامی که مردم با سایر افراد جامعه تعامل می کنند، رابطه قویتری با مکان و جامعه خود احساس می نمایند. این عامل با تعیین میزان حضور گروه های مختلف اجتماعی قابل تعیین است (Daneshpur, et al, 2007).

تعامل اجتماعی، حضور اجتماعی فعال و مدام در فضا را در بین مخاطبان نشان می دهد (Dines & Cattell 2006). تعامل اجتماعی می تواند فرصتی برای رها شدن از تنش های زندگی روزمره، گذران اوقات فراغت، گردهم آیی افراد و گروه های مختلف بوده و بستری برای حضور و آزادی بیان و ابراز آنها در فضا با ترویج تعاملات اجتماعی جاذب افراد و گروه های مختلف باشد (Whyte, 1982., Vaughan & Hillier, 2007). عوامل اجتماعی خواه به صورت فیزیکی، خواه به صورت یک نگاه و ایجاد مکالمه و ارتباط میان افراد، مستلزم تعریف رویدادها و فعالیت های متناسب و در نهایت نقش پذیر بودن مردم در فضاست؛ که امروزه با افزایش اندازه، وسعت شهرها، تراکم شهروندی و روابط اجتماعی از اصول مهم شهری است (Huffman, 2006).

برخورد اجتماعی و ارتباط اجتماعی را به همراه دارد. این‌گونه فضاها زمینه‌ساز تجربه‌اندوژی، مبادله احساس و اندیشه است؛ فضاهایی که عموم مردم، با توجه به ویژگی‌های سنی و جنسی بتوانند به راحتی، در زمان‌ها و فصول مختلف سال به آن دسترسی داشته باشند. پژوهش حاضر از لحاظ تعامل و حضور افراد به دنبال تبیین رابطه بین مؤلفه‌های مؤثر بر کیفیت فضای باز جمعی در ارتقای اجتماع‌پذیری میان ساکنان مجتمع‌های مسکونی است. در این راستا پارامترهای کلیدی سازنده در این پژوهش در جدول شماره ۱۰ شامل دسترسی، فعالیت، امنیت، تعامل اجتماعی، هویت مکان و نفوذپذیری است که به بررسی آن پرداخته می‌شود.

یافته است. به این دلیل که زیبایی در طبیعت تبیین‌کننده مقولاتی چون تعادل، تقارن، هارمونی، ظرافت، نظم و وحدت بوده و رابطه مستقیمی با خواست‌های انسانی دارد. این در حالی است که احساس جمعی، وابستگی‌های احساسی و خواست‌های انسانی که در جوامع گذشته وجود داشته، در جوامع امروزی در حال ناپدید شدن و از بین رفتن است (Marcus & Sarkissian, 1988). با توجه به نظریه‌هایی که به وسیله پژوهشگران و نظریه‌پردازان بیان شد، از عوامل مهم در موفقیت فضاهای عمومی، حضور افراد و اجتماع‌پذیری در فضا بوده است. بر این اساس فضایی اجتماع‌پذیر است که بتواند افراد را در زمان‌های مختلف در خود نگه دارد، به طوری که آن فضا قابلیت دعوت‌کنندگی داشته باشد. فضاهای اجتماع‌پذیر که در آن تعامل و فعالیت صورت گیرد،

جدول شماره ۱۰: مفاهیم کلیدی مرتبط با کیفیت‌های محیط

نظریه	سال	نظریه پرداز
کیفیت زندگی، تعامل اجتماعی، ایمنی، نظم اجتماعی، حس اجتماعی و تعلق	۲۰۱۲	وودکرفت
تناسبات بصری و عملکردی، تعلق به محیط، تأمین دسترسی، تنوع فرم‌ها، تنوع گروه‌های اجتماعی	۲۰۱۱	یان بنتلی
هویت، حس مکان و کیفیت زندگی	۲۰۰۸	کولانتونینو
اصالت و معنا	۲۰۰۸	مینچل
فعالیت‌ها و فرآیندهای اجتماعی، ارتباط بین مخاطبان	۲۰۰۷	هیلمر
تعاملات اجتماعی، تسهیلات، تداوم فضای عمومی، دسترسی، حرکت	۲۰۰۶	دنیز
ارتباط متقابل انسان و معانی موجود در مکان نفوذپذیری، تنوع، خوانایی، استواری، تناسبات بصری، غنا	۲۰۰۶	کارمونا
ارتباطات با مکان و تعلق به مکان از طریق برقراری انواع پیوندهایی که افراد	۲۰۰۵	کراس
حضور اجتماعی فعال و مدام در فضا، دعوت‌کنندگی، امنیت، مطلوبیت و پاسخگویی فعالیتی	۱۳۸۶	دانشپور و چرخچیان
تعاملات اجتماعی، ساختار کالبدی، ساختار اجتماعی	۱۳۹۳	قنبران
دسترسی به امکانات، فضای سبز، حمل‌ونقل عمومی، فرصت‌هایی برای قدم زدن و دوچرخه سواری، جدایی‌گزینی اجتماعی کمتر	۲۰۰۴	ویلیامز
حضور مردم، فعالیت و دسترسی	2007	جان لنگ
رویکرد تعاملی بین انسان، فرد و محیط	۲۰۰۳	گوستافون
امکان مواجهه افراد با یکدیگر، تعامل اجتماعی، اجتماع‌پذیری، آسایش	۲۰۰۱	هیجر و ریچندرب
شکل‌گیری مکان را شامل سه مؤلفه موقعیت جغرافیایی، شکل کالبدی و معنا، ارتباط جمعی، امنیت، انسجام، تنوع، هویت، مقیاس	۲۰۰۰	گرین
دسترسی و ارتباطات جمعی، اجتماعی بودن، حضور افراد، فعالیت، آسایش	۲۰۰۰	PPS
دسترسی، تنوع فعالیت و کاربری، امنیت، تعامل اجتماعی، اجتماع‌پذیری	۱۹۹۹	الدنبرگ
تناسبات، دسترسی روشن و نظارت، هویت مکان	۱۹۸۴	کوبین لینچ
خوانایی در مکان دید و مناسب، هویت، تناسبات تنوع، نفوذپذیری، انعطاف‌پذیری، اجتماع‌پذیری	۱۹۸۹	ساولت ورت
خصوصیات کالبدی، فعالیت معنا	۱۹۷۶	رلف

فعالیتی جزئی از مکان است و معنا نیز فراتر از یک مکان و جزو اصلی و لاینفک مکان قرار می‌گیرد (Relph, 1976 & Tuna, 1974). گوستافسون نیز (Canter, 1983 & Gustafson, 2001) با پایه قرار دادن نظر جان پانتر محیط را متشکل از سه بعد درهم تنیده کالبد، فعالیت‌ها و معنا می‌داند. رویکرد تعاملی که بین فرد، دیگران و محیط به وجود می‌آید، پایه ارتباط، تعامل و فعالیت بوده و باعث اجتماع‌پذیری فضا می‌شود.

از این رو با اقتباس از نظریه مکان جان پانتر و تأکید گوستافسون به معنا و تعامل آن در محیط می‌توان گفت، کیفیت فضاهای اجتماع‌پذیر از برآیند سه بعد که هر یک از آنها مسئول برآورده ساختن یکی از کیفیت‌های سه‌گانه کالبدی، فعالیت و معنا در محیط هستند؛ که معنا به مثابه یک متن در ارتقای اجتماع‌پذیری بین افراد و مکان مورد توجه است.

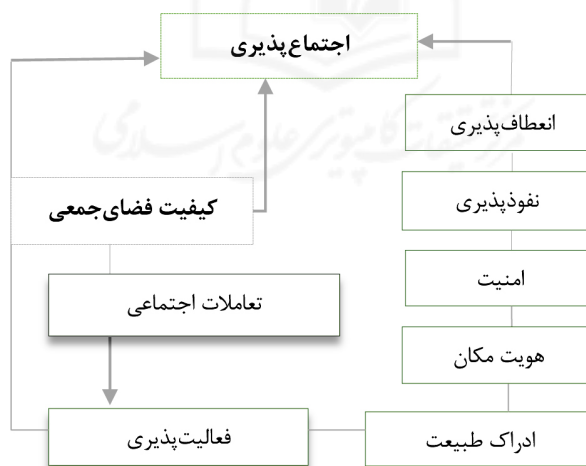
کیفیت فضای باز جمعی معیار سنجشی برای میزان مطلوبیت محیط است؛ که می‌تواند بر سطح کیفیت زندگی کاربران تأثیرگذار باشد. کیفیت فضا و مجموعه فعالیت‌ها و پارامترهای مؤثر بر آن در ایجاد اجتماع‌پذیری محیط اهمیت دارد. به این دلیل نظریه‌پردازان مدل‌هایی را برای طبقه‌بندی کیفیت فضا و اجتماع‌پذیری فضا ارائه کرده‌اند و هر یک از این نظریه‌ها طبقه‌بندی خاصی دارد. این پژوهش به منظور تدوین یک چارچوب نظری برای رسیدن به مؤلفه‌های کیفی سازنده برای طراحی مطلوب فضاهای باز مشترک جمعی به منظور ارتقای اجتماع‌پذیری محیط طبقه‌بندی‌های ارائه شده در نظریات را بررسی و طبقه‌بندی جدیدی ارائه می‌کند. همچنین برای آزمون جامعیت، نمودار شماره ۱ به صورت مدل پیشنهادی برای طبقه‌بندی مطرح شد. این طبقه‌بندی به قابلیت اجتماع‌پذیر بودن فضاهای جمعی می‌پردازد. از نظر رلف خصوصیات کالبدی و

جدول شماره ۲: مؤلفه‌های مؤثر بر اجتماع پذیری و سطح مداخله کاربران در کیفیت فضای مشترک جمعی

ابعاد	مؤلفه تأثیرگذار بر اجتماع پذیری	معیار	چگونگی برقراری تعامل و ارتباط	سطح مداخله کاربران در کیفیت فضای مشترک جمعی
کالبدی	امنیت	آسایش و آرامش	آفرینش در فضاهای پویا	دسترسی پیاده و سواره، نظارت اجتماعی، تنوع، تماشاگردن، ساماندهی فضایی، محیطی، هماهنگی با بستر، راحتی در انجام فعالیت‌ها، توقف کردن، گفت و شنود، انعطاف پذیری در انجام فعالیت‌ها، وجود عناصر زیبای شناسی در محیط، ایجاد رنگ و بافت کیفیت و پویایی، سرزندگی.
		انسجام اجتماعی		
	انعطاف پذیری و دسترسی	تداوم حرکت		
		خوانایی		
فعالیتی و کارکردی	فعالیت پذیری	ارتباط انسان و محیط	شناسایی مناسب برای فعالیت‌های جمعی	ایجاد فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی، اجتماع پذیری، مشارکت اجتماعی، پیوند اجتماعی، کارکرد اجتماعی، کنش‌های ارتباطی، چیدمان فضا بر اساس الگو رفتاری، دسترسی روشن، فعالیت‌های منطبق با محیط، وجود عناصر زیبای شناسی در محیط، ایجاد مرادوات اجتماعی، کاربرد اجتماعی، تعدد و توالی فضاها، ارتباط فضاهای عمومی و خصوصی.
		ساختار زیبایی		
	دسترسی و خوانایی	حضور افراد		
		فعالیت‌های انتخابی		
	تعامل اجتماعی	دسترسی اجتماعی		
		دسترسی به فضاها		
معنایی	فرد	وجود فعالیت اجتماعی	پیوستگی و تعامل با محیط	تعدد و توالی فضاها، ارتباط با طبیعت و مناظر طبیعی، تناسب بصری، تجارب فضایی فعالیت‌های فرهنگی تفریحی، شفافیت، حضور عناصر مشترک فرهنگی و اعتقادی، ایجاد حس تعلق به مکان زندگی، ساختار فرهنگی جامعه و فرد، رشد و حرکت اثر بر محیط.
		مکان		
	محیط	فعالیت همگانی		
		انطباق بین مکان و الگوهای رفتاری		

چارچوب نظری مناسب به بازشناسی و تفسیر مؤلفه‌های سازنده برای «تبیین معیارهای تأثیرگذار بر کیفیت فضای باز جمعی مشترک در بین محیط‌های مسکونی به منظور ارتقای اجتماع پذیری محیط» نمودار شماره ۱ می‌پردازد.

در جدول شماره ۲ دسته‌بندی مؤلفه‌ها و معیارهای مؤثر بر کیفیت فضای باز جمعی در فضای باز میانی محیط‌های مسکونی، برای برقراری فضایی تعاملی با قابلیت ارتباط اجتماعی و درک محیط مکانی اجتماع پذیر ارائه شده است. با ارائه مدل پیشنهادی به عنوان یک



نمودار شماره ۱: مدل پیشنهادی اجتماع پذیری محیطی در فضای جمعی مشترک؛ برای ایجاد تعامل اجتماعی

است. این مجتمع‌ها در منطقه شش شهر شیراز و حوالی خیابان معالی آباد قرار دارند و به لحاظ نوع ارتباط ساختاری و تعاملی در فضا با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. اندازه نمونه با استفاده از فرمول کوکران با سطح خطای پنج درصد برای اندازه جامعه ۱۸۰ نفر برابر با ۱۲۲ نفر در هر مجتمع مسکونی محاسبه شده و از روش نمونه‌های تصادفی ساده برای نمونه‌گیری استفاده شده است. سنجش صحت اطلاعات با استفاده از نظرات ساکنان مجتمع‌های مسکونی پیرامون سئوال‌ات مشخص انجام شده است. بدین نحوه نخست با طراحی پرسشنامه

### ۳. روش پژوهش

روش پژوهش به صورت توصیفی-استنباطی است. در ابتدا وضعیت حاکم بر کیفیت فضای باز جمعی مجتمع‌های مسکونی بررسی و داده‌های کمی در جهت تعیین طیفی از اجتماع پذیری در فضاهای باز و معیارهای فضاهای باز جمعی گردآوری و طبقه‌بندی شد. جامعه آماری این تحقیق ساکنان چهار مجتمع مسکونی گلدشت معالی آباد، مجتمع مسکونی APS، مجتمع مسکونی دراک و مجتمع مسکونی پرستاران است که با فضای باز مشترک جمعی تشخیص داده شده

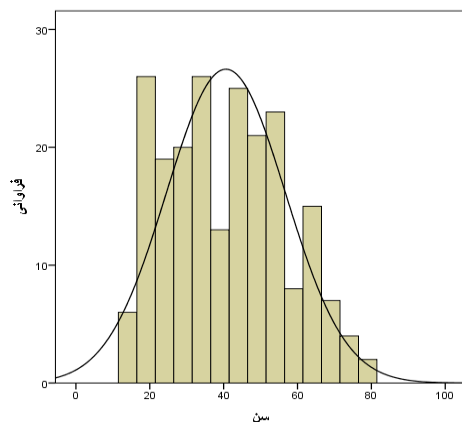


تصویر شماره ۲: مجتمع های مسکونی مورد مطالعه (منبع: Google Earth).

این منطقه در مرغوبترین اراضی شمال غرب شیراز واقع شده و در مجموع بافتی نوساز دارد. این منطقه، محصول توسعه شهری شیراز به سمت شمال غرب است. در این منطقه چهار مجتمع مسکونی که دارای فضای باز است، انتخاب شده است. این مجتمع ها به لحاظ دسترسی پیاده و سواره در بلوار معالی آباد و بلوار پرستار واقع شده اند. در این مجتمع ها به لحاظ فضاهای میانی تفاوت چندانی دیده نمی شود، ولی در نوع ارتباط ساختاری و تعاملی در فضا با یکدیگر تفاوت هایی دارند. طبق تصویر شماره ۲ ابتدا مجتمع گلدشت معالی آباد در نقشه هوایی به نام A، دوم، مجتمع APS به نام B، سوم، مجتمع دراک به نام C و چهارم، مجتمع پرستاران به نام D نام گذاری شده اند.

#### ۴. بحث و یافته ها

در این پژوهش با توجه به مفاهیم مطرح شده در میانی نظری به تأثیر کیفیت فضای باز مشترک جمعی در ایجاد فضاهایی اجتماعی پذیر در مجتمع های مسکونی مطابق با مدل مفهومی اجتماعی پذیر در محیط های مسکونی با مؤلفه هایی شامل ایمنی و امنیت کاربران پرداخته شده و مؤلفه های انعطاف پذیری، نفوذ پذیری، فعالیت پذیری، تعامل اجتماعی، هویت مکان و ادراک محیط تبیین شده است. اگر این مؤلفه ها بر روی طراحی سایت مجتمع های مسکونی تأثیرگذار باشند، با شناسایی عوامل طراحی تأثیرگذار بر کیفیت فضای باز جمعی، امکان ایجاد محیط های متناسب با نیاز ساکنان بیشتر می شود. بر اساس یافته های به دست آمده در نمودار شماره ۲ گستره سنی جمعیت مورد مطالعه در گروه سنی ۱۷ تا ۲۹ است.



نمودار شماره ۲: توزیع فراوانی سنی در مجتمع های مسکونی

بسته، نظرات ساکنان در ارتباط با ارزیابی هر یک از مؤلفه های اثرگذار بر اجتماع پذیری محیط به عنوان یکی از مهمترین عوامل ایجاد تعامل در فضای باز جمعی مجتمع های مسکونی با توجه به معیارهای مرتبط، با اندازه گیری آنها جمع آوری شده است. دلیل انتخاب پرسشنامه بسته، ماهیت سئوالات تحقیق است. اندازه گیری پایایی پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ انجام شده که ابتدا برای هر مؤلفه به صورت جداگانه و سپس برای کل پرسشنامه محاسبه شده است. اعتبار ابزار اندازه گیری از آلفای کرونباخ ۰/۶۱ به دست آمده است. برای اطمینان از روایی اندازه گیری پرسشنامه با کمک اعتبار صوری یعنی از طریق مراجعه به داوران به این سؤال پاسخ داده شده است. بدین ترتیب که پرسشنامه تدوین شده را به اساتید و متخصصان نشان داده و از نظرات آنها برای تصحیح پرسشنامه کمک گرفته شد. با توجه به نتایج حاصل از فرمول کوکران ۴۸۸ پرسشنامه ای ساختارمند در قالب طیف پنج گزینه ای لیکرت که متشکل از ۳۸ پرسش است، در بین ساکنان هر مجتمع مسکونی توزیع شده است. یافته های پرسشنامه ها با استفاده از روش تجزیه و تحلیل اطلاعات برای بررسی فرضیات تحقیق با توجه به این که سطح سنجش متغیرها فاصله ای و نوع رابطه خطی است، از ضریب همبستگی پیرسون به عنوان آزمون آماری انتخاب گردیده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از نرم افزار SPSS انجام شده است.

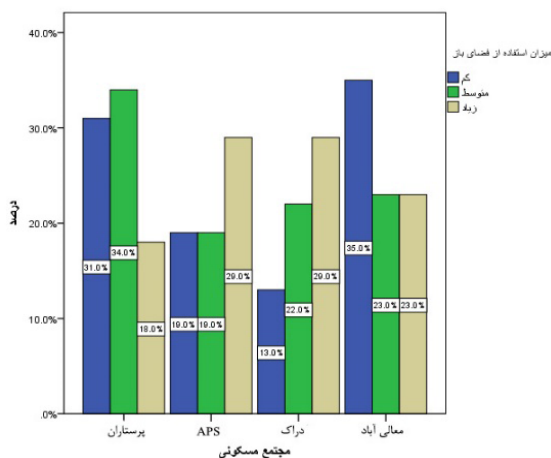
#### ۳٫۱. شناخت و تحلیل

این پژوهش در شهر شیراز انجام شده است. شیراز در استان فارس و دارای رشد جمعیتی قابل توجهی است. گرایش افراد به زندگی در مجموعه های مسکونی رو به افزایش بوده و مجتمع های مسکونی متعددی در سطح شهر ساخته شده است.



تصویر شماره ۱: شیراز و منطقه مورد مطالعه (منبع: شهرداری منطقه ۶)

ساخت و ساز در مجتمع های مسکونی شیراز مشکلاتی از جمله نادیده انگاری ارزش های اجتماعی، در فضاهای باز میانی مجموعه های مسکونی به همراه داشته است. این مسئله باعث تشدید عدم تعادل در ساختار فضاهای باز مجموعه های مسکونی شده است. طراحی فضای میانی برخی از این مجتمع ها عجولانه و بدون برنامه انجام شده است. بررسی میزان اجتماع پذیری مجموعه های مسکونی منطقه ۶ شهرداری های شهر شیراز طبق تصویر شماره ۱ انتخاب شد.



نمودار شماره ۳: درصد میزان استفاده از فضای باز در مجتمع های مسکونی

است که در مجتمع دراک قوی تر دیده شده است. رابطه بین اجتماع پذیری و تعاملات اجتماعی در مجتمع مسکونی پرستاران معنی دار نیست ولی در سه مجتمع دیگر معنی دار است. در بعد معنا نتایج نشان می دهد که اجتماع پذیری و حس مکانی در سه مجتمع APS، معالی آباد و دراک و مجتمع پرستاران معنی دار نیست. این درحالی است که بین اجتماع پذیری و مؤلفه ادراک محیط در هر چهار مجتمع رابطه معنی دار وجود دارد. این رابطه در مجتمع دراک قوی تر است.

با توجه به میزان استفاده از فضای باز، مجتمع مسکونی معالی آباد پرستاران در سطح کم و مجتمع های APS و دراک در سطح بیشتری قرار دارند. نتایج نمودار شماره ۳ نشان می دهد که در این دو مجتمع مسکونی (دراک و APS) کیفیت محیطی مطلوب تری وجود داشته و میزان استفاده فضای باز مشترک جمعی بیشتر بوده است. یافته ها نشان می دهد که در بعد کالبدی، رابطه بین اجتماع پذیری و مؤلفه امنیت تنها در مجتمع های APS و دراک معنی دار است و در دو مجتمع دیگر معنی دار نیست. ضریب همبستگی بین اجتماع پذیری و امنیت در مجتمع مسکونی APS برابر ۰/۴۵۳ با سطح معنی داری برابر ۰/۰۰۰ در مجتمع های مسکونی معالی آباد برابر ۰/۲۷۱ و سطح معنی داری برابر ۰/۱۰۹، در مجتمع مسکونی دراک برابر ۰/۷۳۴ و سطح معنی داری برابر ۰/۰۶۶، در مجتمع های مسکونی پرستاران برابر ۰/۱۵۷ و سطح معنی داری برابر ۰/۰۷۶ بوده است. اجتماع پذیری و مؤلفه نفوذ پذیری و دسترسی در مجتمع دراک قوی تر از سه مجتمع دیگر و در مجتمع های مسکونی پرستاران ضعیف تر از سه مجتمع دیگر است. همچنین اجتماع پذیری و مؤلفه انعطاف پذیری در فضای مشترک جمعی مجتمع های مسکونی بیان شده در هر چهار مجتمع معنی دار و این رابطه در مجتمع دراک قوی تر از مجتمع های دیگر است؛ این رابطه در مجتمع پرستاران ضعیف تر دیده شده است.

در بعد اجتماعی نتایج حاکی از آن است که رابطه بین اجتماع پذیری و مؤلفه فعالیت پذیری در مجتمع های مسکونی پرستاران و مجتمع مسکونی معالی آباد معنی دار نیست. اما رابطه بین اجتماع پذیری و فعالیت پذیری در دو مجتمع دراک و APS معنی دار

جدول شماره ۳: بررسی ضریب همبستگی بین مؤلفه های مؤثر بر کیفیت فضای باز با اجتماع پذیری در چهار مجتمع ها

متغیر اجتماع پذیری	ایمنی و امنیت	نفوذ پذیری	انعطاف پذیری	تعاملات اجتماعی	فعالیت پذیری	حس مکان	ادراک محیط
مجتمع مسکونی	ضریب همبستگی	۰/۴۵۳	۰/۳۷۶	۰/۳۹۷	۰/۳۸۷	۰/۴۵۱	۰/۴۶۵
APS	(p-value)	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۲۳	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
مجتمع مسکونی	ضریب همبستگی	۰/۲۸۱	۰/۳۰۲	۰/۲۱۴	۰/۴۹۵	۰/۳۵۹	۰/۳۳۵
معالی آباد	(p-value)	۰/۱۰۹	۰/۰۳۸	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
مجتمع مسکونی	ضریب همبستگی	۰/۷۳۴	۰/۶۳۲	۰/۷۰۲	۰/۵۸۷	۰/۴۰۲	۰/۵۲۷
دراک	(p-value)	۰/۰۰۶	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۴۶	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
مجتمع مسکونی	ضریب همبستگی	۰/۱۵۷	۰/۲۰۴	۰/۱۹۷	۰/۲۹۸	۰/۱۳۹	۰/۱۳۷
پرستاران	(p-value)	۰/۰۷۶	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۴۶	۰/۰۹۱	۰/۰۰۰

فرض  $H_0$  از نظر آماری رد شده و فرضیه پذیرفته شده است. طبق جدول شماره ۴ با اطمینان می توان گفت که ۹۵ درصد اجتماع پذیری تأثیر مثبت و معنی داری بر کیفیت فضای باز مشترک جمعی دارد. به عبارت دیگر با افزایش سطح اجتماع پذیری سطح کیفیت فضای مشترک جمعی نیز افزایش می یابد و برعکس. در جدول شماره ۵ نتایج کلی تحلیل این پژوهش نشان می دهد که کیفیت فضای مشترک جمعی را می توان با استفاده از متغیر اجتماع پذیری پیش بینی کرد و میزان ضریب تعیین این مدل ۰/۳۹۲ است که با استفاده از این مدل می توان ۳۹/۲ درصد از تغییرات را توجیه نمود.

جدول شماره ۳ برای بررسی ضریب همبستگی بین مؤلفه های مؤثر بر کیفیت فضای باز و اجتماع پذیری در چهار مجتمع مسکونی ثابت کرد، بین هفت مؤلفه مستخرج و اجتماع پذیری رابطه متقابل مثبت و معنی داری وجود دارد. از طرفی برای اثبات فرضیه اصلی، با استفاده از رگرسیون خطی ساده، معنی داری میان متغیر مستقل اجتماع پذیری و متغیر وابسته کیفیت فضای باز جمعی انجام شد. پس از آن نتایج نشان داد که میان متغیر اجتماع پذیری و متغیر کیفیت فضای باز مشترک جمعی ۰/۶۴۶ و سطح معنی داری ۰/۰۰۰ است که از ۰/۵ کمتر است. بنابراین با توجه به سطح معنی داری و مثبت بودن ضریب رگرسیونی

جدول شماره ۴: ضرایب رگرسیونی بین کیفیت فضای جمعی مشترک و اجتماع پذیری محیطی

ضرایب رگرسیونی	ضرایب	مقدار آماره آزمون T	سطح معنی داری	فرض مورد بررسی	نتیجه آزمون فرض
عرض از مبدا ( $\alpha$ )	۱/۳۳۲	۱۲/۹۶۲	۰/۰۰۰	$\begin{cases} H_0 : \alpha = 0 \\ H_1 : \alpha \neq 0 \end{cases}$	رد فرض $H_0$
اجتماع پذیری ( $\beta_3$ )	۰/۶۴۶	۲۲/۱۳۴	۰/۰۰۰	$\begin{cases} H_0 : \beta_3 = 0 \\ H_1 : \beta_3 \neq 0 \end{cases}$	رد فرض $H_0$

جدول شماره ۵: مدل رگرسیونی بین کیفیت فضای جمعی و اجتماع پذیری محیط

برآورد	خطای استاندارد برآورد	T	(P-value)
عرض از مبدا	۳/۳۰۳	۳/۳۸	۰/۰۰۰
کیفیت فضای جمعی مشترک	۰/۳۷	۳۹/۲۱	۰/۰۰۰

می‌کنند. در فضای مشترک جمعی، برای اجتماع‌پذیری کاربران از فضای مشترک جمعی مجتمع‌ها، به تعدد و توالی فضاها، ارتباط با طبیعت و مناظر طبیعی و تناسب بصری اهمیت داده شده است. فریتز، استیل و کراس نیز تأثیر اجتماع‌پذیری بر تعلق به مکان و نحوه ارتباط انسان با مکان از طریق برقراری انواع پیوندهایی که افراد با مکان تشکیل می‌دهند را تأیید می‌کنند. با توجه به مطالعات انجام شده، وودکرفت، گرین، لینچ و ساوت‌ورث انطباق بین مکان و الگوهای رفتاری درک متقابل از مکان و ایجاد حس تعلق به مکان را تأیید می‌کنند. کارمونا نیز به ارتباط متقابل انسان و معنا در مکان اشاره کرده است. جان پانتر و رلف کالبد، فعالیت معنا را در ارتقای کیفیت محیط‌های انسانی در شکل‌گیری پایه‌های ارتباطی کاربران با محیط می‌داند که با نتایج این تحقیق در یک راستا بوده است. مینچل به اصالت و معنا اشاره کرده و گوستافسون نیز معنا را از تعامل فرد، دیگران و محیط مفهومی فراتر از خصوصیات کالبدی می‌داند. (نمودار شماره ۴)

در این پژوهش نیز اثبات شد، اجزای کالبدی و فعالیتی به مفاهیم و معانی آن مکان اشاره دارد تا بتواند فضای مشترک جمعی مطلوبی به وجود آورد تا فضاهای اجتماع‌پذیری در آن صورت گیرد. نتایج ابعاد کالبدی، فعالیتی و معنا به عنوان ابعاد اصلی در کیفیت فضاهای باز مشترک جمعی، در این پژوهش نشان می‌دهد که بعد معنا و مؤلفه‌های مستخرج از آن، بیشتر مورد توجه کاربران بوده و تأثیر بیشتری بر اجتماع‌پذیری فضاهای باز بین مجتمع‌های مسکونی دارد که به طور جدی تری در نظریه‌های برنامه‌ریزی فضاهای عمومی باید گنجانده شود. (نمودار شماره ۵)

### جمعی

در این پژوهش پس از بررسی رابطه بین فضای باز جمعی و اجتماع‌پذیری در مجتمع‌های مسکونی، سه بعد مورد بررسی قرار گرفت و هفت مؤلفه‌ای که در راهبرد طراحی فضای باز مشترک جمعی مورد بحث قرار گرفت، توانسته‌اند در اجتماع‌پذیری فضاهای جمعی مجتمع‌های مسکونی در شهر شیراز مؤثر باشند. در نمودار شماره ۴ شکل‌گیری آن مشخص شده است. در این راستا سه نتیجه حاصل شد و به صورت الگوی مفهومی در نمودار شماره ۵ کیفیت فضای باز مشترک جمعی مطرح گردید.

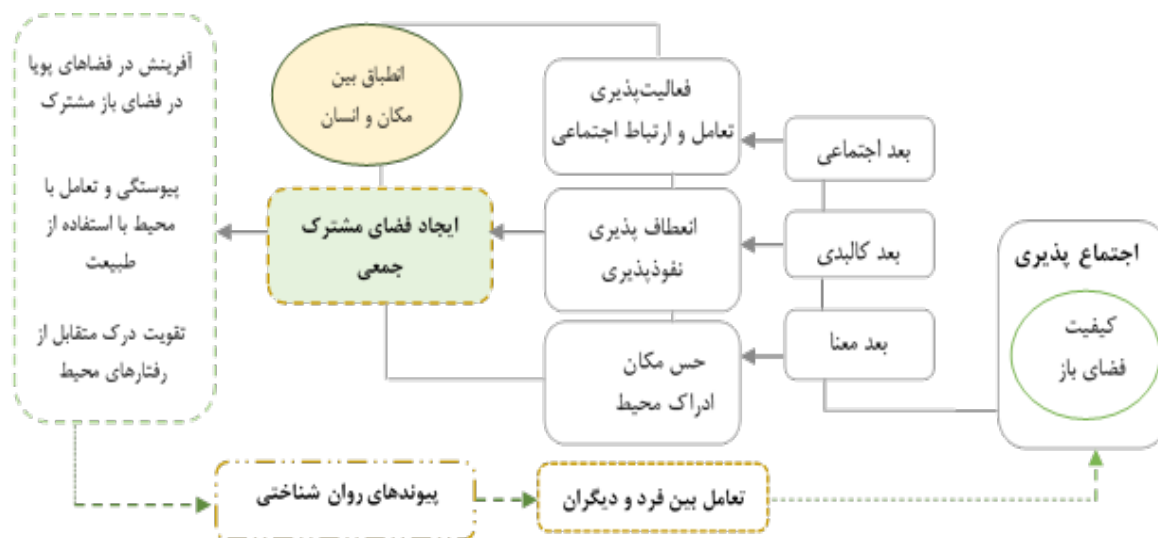
می‌توان گفت که میزان انطباق فعالیت‌های جمعی با توجه به رفتارهای عمومی در قرارگاه‌های رفتاری باعث آفرینش پیوندهای روان‌شناختی در محیط می‌گردد و اجتماع‌پذیری را در محیط افزایش می‌دهد.

**بعد کالبدی:** یافته‌ها نشان داد، بین بعد کالبد و اجتماع‌پذیری رابطه معنی‌داری دیده می‌شود. مهمترین نتایج حاصل از سنجش عوامل کالبدی در مجتمع‌های مسکونی، استفاده از نمادها و المان‌ها و ساماندهی محیطی است. از طرفی انعطاف‌پذیری در مسیریابی، دسترسی‌های آسان و ایمن در ایجاد سطح مداخله کاربران با محیط و فعالیت‌های اجتماعی در مکان‌های اجتماع‌پذیر تأثیر داشته است. همچنین به وجود آوردن سازگاری و هماهنگی با محیط در کنترل امنیت، روزانه و شبانه در فضای باز مجتمع‌ها تأثیرگذار بوده است. همچنین برقراری حریم و محرمانه در مکان‌های خصوصی و نیمه خصوصی، تفکیک پیاده و سواره برای امنیت و ایمنی توانسته است در افزایش تعامل ساکنان مجتمع‌ها تأثیر بیشتری ایجاد کند. در این راستا نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها و مطالعه میدانی در محوریت کالبد و اجتماع‌پذیری نقش بسزایی را در کیفیت فضای باز مشترک جمعی در بین ساکنان مجتمع‌های مسکونی دارد. سعادتیان، جعفرپور، یان بنتلی، فلاح، وودکرفت و گرین در تحقیقات خود به این مفاهیم اشاره کرده‌اند.

**بعد فعالیتی و اجتماعی:** یافته‌ها نشان داد، بین بعد فعالیت و اجتماع‌پذیری رابطه معنی‌داری دیده می‌شود. کاربران با توجه به فضاهای اجتماع‌پذیر در فضاهای مشترک جمعی مجتمع‌های مسکونی به مرادوات و فعالیت‌های اجتماعی، به چیدمان فضاهای باز جمعی و الگوهای رفتاری مناسب با محیط و عناصری که بر فعالیت‌های منطبق با محیط دلالت نمایند، تبعیت می‌کنند. همچنین دسترسی و خوانایی نیز در بعد فعالیتی از جمله عوامل مؤثر در محیط بوده که باعث اجتماع‌پذیری مطلوب‌تری می‌شود. با توجه به مطالعات انجام شده، راست‌بین، فرانسیس، لویکا، هیلر، تیباتز و راجرز این مفاهیم را در پژوهش‌های خود تأیید کرده‌اند.

**بعد معنا:** یافته‌ها نشان می‌دهد بین معنا و اجتماع‌پذیری رابطه معنی‌داری وجود دارد. نظر و مصاحبه با کاربران این مفاهیم را تأیید





نمودار شماره ۴: شکل‌گیری مؤلفه‌های مؤثر در راهبرد طراحی فضای باز مشترک جمعی جهت اجتماع‌پذیری



نمودار شماره ۵: الگوی مفهومی کیفیت فضای باز مشترک

### ۵. نتیجه‌گیری

اجتماع‌پذیری محیط در جدول شماره ۶ ارائه گردید. براساس پژوهش انجام شده، فضاهای جمعی با توجه به سلسله مراتب نیازهای انسانی و ابعاد اجتماعی، ضمن فراهم آوردن موقعیتی برای رشد خلاقیت، زمینه‌های معاشرت، تعامل و تقابل اجتماعی، ایجاد مرادوات اجتماعی مردمی، ایجاد رویدادهای جمعی، فعالیت‌های انتخابی و اجتماعی، اقتصادی، ایجاد ارتباط، آرامش و تفریح، نوعی تبلور ماهیت زندگی جمعی را فراهم می‌سازد. بنابراین فضای باز میانی در مجتمع‌های مسکونی، عنصر اساسی ساخت فضا و کانون راهبردهای اجتماعی است.

این پژوهش براساس ابعاد مطرح شده در مدل جان پانتر در سطح نظریه مکان به تحلیل رابطه متقابل بین فضای باز جمعی و اجتماع‌پذیری در چهار مجتمع مسکونی پرداخته است. هفت مؤلفه مؤثر ایمنی و امنیت، انعطاف‌پذیری، نفوذپذیری، دسترسی، فعالیت‌پذیری، تعامل اجتماعی، هویت مکان و ادراک محیط، استخراج و بررسی شد. نتایج به دست آمده می‌تواند از سوی طراحان در بهره‌برداری هرچه بیشتر فضاهای اجتماع‌پذیر در جهت تعامل اجتماعی و ایجاد فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی استفاده شود. براساس نتایج به دست آمده راهبردهایی برای طراحی فضای باز جمعی به منظور ارتقای

جدول شماره ۶: راهبردهایی برای طراحی فضای باز جمعی به منظور ارتقای اجتماع پذیری محیط

عوامل تأثیرگذار محیط	راهکارهای پیشنهادی	چگونگی تأثیرگذاری برای ارتقای اجتماع پذیری محیط
کالبد	آفرینش در فضاهای پویا در فضای باز مشترک	<ul style="list-style-type: none"> <li>- ایجاد تنوع و خوانایی در فضا و جذابیت محیطی</li> <li>- دسترسی مناسب و راحت عملکردهای مختلف به در مجتمع‌های مسکونی</li> <li>- تفکیک عملکردهای مختلف در فضای باز مثلا در نظر گرفتن بخشی برای بازی کودکان، بخشی برای ورزش، دویدن و بخشی برای نشستن و گفت‌وگوی ساکنان</li> <li>- پیش بینی نیمکت‌های مناسب برای مکث و استراحت عابران در طول مسیرهای پیاده</li> <li>- استفاده از فضاهای سرگرم‌کننده با فرم‌های بصری پویا و سرزندگی در محیط پیرامون، فعالیت پذیری برای گروه‌های مختلف سنی</li> <li>- فراهم آوردن تعامل متقابل بین محیط و انسان، تلفیق و هماهنگی با بستر</li> <li>- توجه به نحوه استقرار و ویژگی‌های موجود در فضای سبز برای ارتقای کیفیت بصری</li> <li>- ایجاد شبکه پیوسته و منسجم پیاده و دوچرخه میان عناصر اصلی محدوده</li> <li>- ایجاد تعادل و توازن میان فضاهای باز و مصنوع در مجتمع‌های مسکونی</li> </ul>
اجتماعی	پیوستگی و تعامل با محیط با استفاده از طبیعت	<ul style="list-style-type: none"> <li>- ایجاد پیوستگی با محیط از نظر عملکردی، ساختاری و بصری در ایجاد مکانی مناسب</li> <li>- امکان ترکیب با بستر و عوامل طبیعی منظر مناسب</li> <li>- رخنه در طبیعت به صورت بصری ارتباط بخش مختلف به وسیله پیاده راه، پل رو باز و عبور از درون طبیعت برای رسیدن به محیط، ایجاد قاب بندی طبیعت در ایجاد ارتباط فضاها و قرارگاه‌های جمعی</li> <li>- ایجاد شبکه پیوسته و منسجم پیاده و دوچرخه میان عناصر اصلی محدوده</li> <li>- تقویت فضای سبز بلوک‌ها و ایجاد جذابیت بصری به منظور خلق فضاهای جمعی فعال</li> </ul>
معنا	تقویت درک متقابل از رفتارهای محیط	<ul style="list-style-type: none"> <li>- ایجاد حس تعلق به مکان و هویت در محیط‌های مسکونی</li> <li>- بستری مناسب در انطباق بین مکان و الگوهای رفتاری با فعالیت‌های فردی و اجتماعی</li> <li>- بین فرد، دیگران و محیط درک متقابلی را ایجاد کرده تا کیفیت محیط دارای معنا و ادراک ذهنی گردد.</li> <li>- استفاده از عناصر و المان‌هایی در طراحی فضاهای باز جمعی برای افزایش حس خاطره‌انگیزی در مجتمع‌های مسکونی</li> <li>- امکان ارتباط و تعامل رو در رو و چهره به چهره در میان ساکنان مجتمع‌های مسکونی</li> </ul>

## References

- Alexander, C., & Silverstein, M. (1986). A Pattern Language with General Multi-service. In center of Environment Structure.
- Bentley, I., Alcock, A., Murrain, P., & McGlynn, S. (2012). Responsive Environments a Manual For Designers. Translated by: M. Behzadfar, University of Science and Technology press.
- Bonaiuto, M., Fornara, F., & Bonnes, M. (2003). Social- psychological approaches in environment - Behavior studies. Theoretical perspective in environmentbehavior research 67-78.
- Canter, D. (1983). The Purposive Evaluation of Places: a facet Approach. Journal of Environment & Behavior, 15, 659-698
- Carmona, M. (2006). Public Places, Urban An Spaces. Architectural press.
- Colantonio, A. (2008). Social Sustainability: Linking Research to Policy and Practice. Oxford Institute for Sustainable Development Oxford Brookes.
- Cross, J. (2005). What is Sense of Place. Website Retrieved 20Feb.
- Daneshpour, S., & Charkhchian, M. (2007). Public spaces and factors affecting collective welfare. Bagh-E Nazar Journal, 7. [in Persian]
- Daneshpur, S. A., & Charkhchian, M. (2007). Public Spaces and the factors affecting social life. Bagh-E Nazar Journal, 4(7), 19-28. [in Persian]
- Desvan, A. (2004). Human sociology. Translated by: Jafar Najafi, Khak publication.
- Dines, N., & Cattell, V. (2006). Public spaces, Social relations and well- being in East London. London: The policy press.
- Dominy, M. (2002). Calling the station home: Place and identity in New Zealand's high countr Rowman and Littlefield Publishers.
- Falahat, M., & Noohi, S. (2012). Threat to the Sense of Environment in the Area after the Destruction of Symbols. Proceedings of the First National Conference on Islamic Architecture and Urban Planning, Tabriz: Daneshgah Honar Eslami publicatio. [in Persian]

- Francis, J. (2012). Creating sense of community: The role of public space. *Journal of Environmental Psychology*, 32, 401– 409.
- Forgas, J. (2000). *Psychology of social interaction, interpersonal behavior*. Translated by: M. Firoozbakht & K. Beygi, Abjd Publication.
- Gehl, J., & Lars, G. (2004). *Public Spaces, Public Life: Copenhagen*. School of Architecture Publishers.
- Ghanbaran, AH. (2004). *Iranischer Basar im Wandel*, Stuttgart. Publication Server of the University of Stuttgart.
- Ghanbaranj, A. (2014). An Investigation of the Effective Factors in Enhancing Residents' Social Interaction in Residential Districts: A Case Study on the Darakeh Neighborhood in Tehran. *Journal of Iranian Architecture & Urbanism*, (7), 57 [in Persian]
- Grutter, J. K. (2005). *Aesthetics in Architecture*. Translated by: J. Pakzad, Shahid Beheshti, University Publication. [in Persian]
- Gustafson, P. (2001). Meaning of Place: Every Day Experience and Theoretical Conceptualization *Journal of Environmental Psychology*, 21, 5–16.
- Hanson, J. (2000). Urban Transformations: a history of design ideas. *Urban Design International*, 5, 97–122.
- Huffman, R. (2006). The Value of Urban Open Space. *Urban land*, 65(1), 108–111.
- Kashaniju, K. (2010). Recognizing of Theoretical Trends in Relation to Urban Public Spaces. *Hoviat-E Shahr Journal*, 4(6), 95–106. [in Persian]
- Kellert, S. R. (2005). *Building for Life: Designing and Understanding the Human Nature Connection*. Bibliovault OAI Repository, the University of Chicago Press, 24.
- Kurniawati, W. (2012). Public Space for Marginal People. *Procedia- Social and Behavioral Sciences*, 36, 476– 484.
- Lang, J. (2003). *Creating Architectural Theory: The Role of the Behavioral Sciences in Environmental Design*. Translated by: A.r. Einifar, daneshgah Tehran Publication. [in Persian]
- Lang, J. (2007). *Urban Design: A Typology of Procedures and Products*. Translated by: H. Bahraini, daneshgah Tehran Publication. [in Persian]
- Lennard, S. G., & Lennard, H. (1993). *Urban Space Design and Social Life. Companion to contemporary architectural*. (London: Rutledge).
- Lewicka, M. (2010). What Makes Neighborhood Different from Home and City? Effects of Place Scale on Place Attachment. *Journal of Environmental Psychology*, 30, 35– 51.
- Lynch, K., & Hack, G. (1984). *Site Planning*. MIT Press.
- Marcus, C., & Sarkissian, w. (1988). *Housing As If People Mattered: Site Design Guidelines for Medium-Density Family Housing*. Berkeley: University of California Press.
- Mitchell, N. (2008). Considering the Authenticity of Cultural Landscape, In Waite, Diana. Published by Association for Preservation Technology International.
- Namazian, A. (2012). The psychological Requirements in connecting with the Artificial Environment. *Soffeh Journal*, 10(30), 74 – 83. [in Persian]
- Norberg-Schulz, C. (2007). *The Concept of Dwelling: On the Way to Figurative Architecture*. Translated by: M. Yarahmadi, Agah Publication. [in Persian]
- Osmand, H. (1957). *Function as basis of psychiatric ward design*. Holt Rine hart & Winston.
- Pakzad, J. (2007). *A Guide to Designing Urban Spaces*. Shahidi Publication. [in Persian]
- Purjafar, M., Ansari, M., & Mahmudinejad, H. (2008). A Deliberation on the Methods of Assessment Regarding Citizen Behavior in Urban Spaces. *Payam-E Mohandes* 43, 56-66. [in Persian]
- Rafian, M., Taqvai, A., Khademi, M., & Alipur, R. (2013). A Comparative assessment on the approaches of quality evaluation in designing urban public spaces. *Iranian Architecture & Urbanism Journal*, (4), 35 –.40 [in Persian]
- Rastbin, S., Jafary, Y., Daram, Y., & Moazezi, A. (2012). Environmental between Relationship Realm Public in Life Urban of Continuation and Qualities. *Bagh-E Nazar Journal*, 21, 35 –46 [in Persian]
- Relph, E. (1976). *Place and Placelessness*. Pion.
- Sadeqi, R., Daneshgar Moqadam, G. (2011). A Study on the Relationship between the Skeletal Scheme of Residential Complexes and the Sense of Interest to the Place among the Residents. *Modiriyat Shahri Journal*, (30), 253 –.264 [in Persian].
- Shojaee, D., & Partoee, P. (2015). Analysis of Factors Affecting the Creation and Promotion of Sociability in Public Spaces in Different Scales of Tehran City

- (Case studies: Two Neighborhoods and an Area in District 7 Tehran. *Bagh-E Nazar Journal* (34), 93–108 [in Persian]
- Siadatian, S., & Pourjafar, M. (2015). Application of Justification Graph in Islamic Iranian Architecture (Case Study: Rasoolin Yazd House, Masouleh House). *Naqsh-e Jahan Journal*, 3, 27– 42. [in Persian]
  - Southworth, M. (1989). Theory and Practice of Contemporary Urban Design. *Town Planning Review*, 6(4), 369 –402
  - Stedman, R. (2002). Toward a social psychology of place: Predictive behavior from place-based cognitions. *Environmental Behavior Journal*, 34(attitudes, and identity), 561– 581.
  - Steele, F. (1981). *The Sense of Place*. CBI Publishing Company.
  - Truss, L. (2005). Talk to the hand: The utter bloody rudeness of everyday life, or, six good reason to stay at home and blot the door. First Edition, Profile Books Publisher.
  - Turan, M.H. (1973). *Environmental Stress and Flexibility in the Housing Process*. (W. Priser, ed.), *Environmental Design Research*. Stroudsburg, Dowden, Hutchinson and Ross, Inc., vol. I, 47-58.
  - Tibbaldz, F. (2009), “Making Pepole - Friendl Town”, translated by M. Ahmadinejad, Isfahan, Khak Publication. [in Persian]
  - Vaughan, L., & Hillier, B. (2007). *The Spatial Syntax of Urban Segregation The City as One Thing*. *Progress in Planning* 67, 205 –294 .
  - Whyte, W. (1982). Social life of small Urban Space. *Journal of contemporary Conversation Founaation*, 10 (4), 466 – 446.
  - Williams, K. (2000). *Achieving Sustainable Urban Form: An Introduction*. E & FN Spon.
  - Woodcraft, S. (2012). *Social Sustainability and New Communities: Moving from Concept to Practice in the UK*. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 68, 29 – 42.



نحوه ارجاع به مقاله:

نازنین، دهناد؛ مهدی نژاد، جمال الدین، کریمی، باقر، (۱۳۹۹) تبیین رابطه بین مؤلفه‌های مؤثر بر کیفیت فضای باز جمعی در ارتقای اجتماع پذیری محیط، مطالعات شهری، ۱۰ (۳۷)، ۴۵-۵۶. doi: 10.34785/J011.2021.519/Jms.2021.142

[http://www.urbstudies.uok.ac.ir/article\\_61437.html](http://www.urbstudies.uok.ac.ir/article_61437.html)

#### Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.

